

بازخوانی پیام‌های عاشورا در جنبش حزب‌الله لبنان

سیدمهدی طاهری*

چکیده

قیام عاشورا از مؤثرترین و ماندگارترین رخدادهایی است که منشأ تحولاتی بنیادین در تاریخ اسلام است و نه تنها گذر زمان بر ابعاد و پیامدهای آن سایه فراموشی نیفتاده، بلکه آثار ماندگار آن هم‌چنان پابرجا بوده و دامنه‌ای بسیار گسترده‌تر از گذشته یافته و به الگوی فداکاری و جان‌فشانی در راه اهداف الهی و مبارزات حق‌طلبانه تبدیل شده است.

یکی از نمونه‌های برجسته در این زمینه جنبش حزب‌الله لبنان است که با بهره از درس‌ها و عبرت‌های قیام حسینی کارآمدی الگوی مقاومت حسینی را بعد از چهارده قرن به بهترین شکل به اثبات رسانده و خود نیز الهام‌بخش بسیاری از گروه‌های مبارز در جوامع گوناگون شده است.

نگارنده در این مقاله بر آن است تا ضمن بررسی مهم‌ترین پیامدهای نهضت حسینی، به بازخوانی تطبیقی-مقایسه‌ای آن پیام‌ها در جنبش حزب‌الله پردازد و کارایی الگوی حسینی را در مقایسه با سایر الگوهای معاصر، در دست‌یابی به حق، برجسته سازد.

کلیدواژه‌ها: عاشورا، بازخوانی پیام‌ها، جنبش حزب‌الله لبنان.

۱. مقدمه

عاشورا حرکتی سیاسی با خاستگاه دینی و براساس برنامه و چهارچوبی ازپیش طراحی شده بود. بدان علت که، از نخستین روز صدور فرمان بیعت با حکومت بنی‌امیه تا

* مربی جامعة المصطفی العالمية seyedmehditaheri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۵

شهادت سیدالشهدا(ع) چند ماه پیش‌تر به‌درازا نکشید، اما زمینه‌های آن به سال‌ها پیش بازمی‌گردد و پیامدهای آن به قرن‌ها پس از آن می‌رسد؛ سال‌هایی که مسیر امامت و رهبری دینی - سیاسی جامعه اسلامی، به‌ویژه سرزمین‌های تازه‌فتح‌شده، از خطی که پیامبر اکرم(ص) ترسیم کرده و بارها بر آن تأکید ورزیده بود منحرف شد و تلاش‌های چشم‌گیر امیرالمؤمنین علی(ع) و یاران دل‌سوز حضرت نیز نتوانست تمام کژی‌ها را درست کند. بنابراین دوباره زمام حکومت به‌دست ناهلان و منحرفانی افتاد که امیرالمؤمنین(ع) از آنان چنین تعبیر کرد:

ما اسلموا و لكن استسلموا و اسروا الکفر، فلما وجدوا اعوانا علیه اظهروه: هیچ‌گاه اسلام نیاوردند، به اسلام درآورده شدند و کفر را در درون خود پنهان داشتند و همین‌که بر آن یاورانی یافتند، آشکارش ساختند (فیض‌الاسلام اصفهانی، ۱۳۹۲: ۸۶۲).

معاویه، پس از آن‌که خلافت اسلامی را به‌دست آورد، همه نیروی خود را صرف تحکیم و تقویت فرمان‌روایی خود و نابودکردن اهل بیت رسالت کرد. با خلافت یزید، که نماد جاهلیت تام پیش از اسلام بود، اسلام و اسلام‌گرایی در لبه پرت‌گاه قرار گرفت و امام حسین(ع) برای کنارزدن نقاب نفاق از چهره شرک و کفری که به نام اسلام بر مسند خلافت و جانشینی رسول خدا(ص) تکیه زده بود، آگاهانه و آزادانه تن به شهادت داد و شهادت مظلومانه او و یارانش در کربلا خونی تازه در رگ‌های جامعه اسلامی جاری کرد که امتداد آن حماسه در طی تاریخ جاودانه ماند.

حماسه حسینی دو چهره مهم دارد؛ نخست، چهره‌ای تاریخی و جغرافیایی است که در جایگاه حماسه‌ای شکوه‌مند در زمانی کوتاه و در محدوده جغرافیایی یک منطقه رخ داد؛ دوم، چهره‌ای فراتاریخی و فراجغرافیایی که از چهارچوب واقعه خارج شد و با تعمیم به زمان‌های بعد اسوه‌ای ماندگار شد.

در نهضت عاشورا قهرمانان و الگوهایی سهم دارند که با گفتار و رفتار خود حادثه‌ای بس بزرگ آفریدند. حادثه‌ای که برای مسلمانان جهان به الگویی مناسب و کارآمد تبدیل شده و، در عرصه رفتار سیاسی، الگوی بسیاری از حرکت‌ها و جنبش‌ها شده است. حرکت توأین، قیام مردم مدینه، قیام مختار، نهضت زید بن علی، قیام محمد نفس‌زکیه، نهضت مقدس ملت ایران به رهبری امام خمینی، و جنبش حزب‌الله در کشور لبنان همگی با الهام از عاشورا سازمان‌دهی شده‌اند.

نگارنده در این مقاله می‌کوشد تا ضمن بررسی مهم‌ترین پیامدهای نهضت حسینی

به صورت تطبیقی - مقایسه‌ای به بازخوانی آن پیام‌ها در جنبش حزب‌الله بپردازد تا کارایی الگوی حسینی را، در مقایسه با سایر الگوهای معاصر، در دست‌یابی به حق برجسته سازد. بدین منظور، سؤال اصلی نگارنده در این مقاله آن است که مهم‌ترین پیامدهای عاشورا و عامل موفقیت جنبش حزب‌الله لبنان چیست.

این جنبش، که نقطه عطفی در جامعه معاصر لبنان به شمار می‌رود، با بهره از درس‌ها و عبرت‌های عاشورا الگوی مقاومت حسینی را بعد از چهارده قرن به بهترین شکل به‌منصه ظهور نشانده و الهام‌بخش سایر گروه‌های مبارز در جوامع معاصر شده است. پیش از تحلیل موضوع مقاله، بهتر است به منظور آشنایی خوانندگان با روند شکل‌گیری و فعالیت جنبش حزب‌الله لبنان تاریخچه مختصری را درباره این جنبش ذکر کنیم.

۲. آشنایی اجمالی با جنبش حزب‌الله

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، روحیه مسلمانان در سراسر جهان، به‌ویژه در لبنان، قوت گرفت و به آن‌ها نیرو و اعتماد به نفس افزون‌تری بخشید و هنگامی که اسرائیل غاصب در ۱۹۸۲ جنوب لبنان را اشغال کرد برای مسلمانان مبارز لبنان مرحله‌ای نوین پدید آمد و روحیه انقلابی، شهادت‌طلبی، و خط رهبری انقلاب از جمهوری اسلامی ایران به لبنان انتقال یافت و موجب تشکیل جنبش حزب‌الله شد.

گروهی دین‌دار و مؤمن با اندیشه‌های اسلامی برای مقابله با سستی‌ها گام‌های اولیه این حزب را، در صحنه مبارزه با اسرائیل، برداشتند و هسته اولیه آن را عده‌ای از جوانان مذهبی پیرو امام خمینی، نیروهای حزب الدعوة، برخی از سران جنبش امل، اعضای فتح، و برخی دیگر از گروه‌ها تشکیل دادند (حشیشو، ۱۳۸۰: ۴۳). تمامی این گروه‌های اسلامی در اعتقاد به اسلام، ولایت فقیه، پیروی از امام خمینی، و مقابله با اسرائیل اتفاق نظر داشتند و بدین نتیجه رسیده بودند که به‌علت ناکارایی گروه‌های لبنانی می‌توان، با بهره از تجارب و موقعیت‌های انقلاب اسلامی ایران و ایجاد تشکیلات جدید، تئوری‌های اسلامی را در جامعه لبنان محقق کرد (قاسم، ۱۳۸۳: ۲۶).

دولت ایران با فراهم کردن زمینه‌های گردهمایی و مذاکره با مجموعه‌های اسلام‌گرا، پس از مذاکرات اولیه، کمیته نه‌نفره‌ای از روحانیان شیعه لبنانی، شخصیت‌های وابسته به امل اسلامی، حزب الدعوة لبنان، کمیته‌های یاری انقلاب اسلامی، و بعضی از شخصیت‌های مستقل را جمع کرد (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۶۸) و پس از تأیید آن‌ها از سوی امام خمینی،

گروه‌های متفرق اسلامی تشکل جدیدی را، به نام «شورای لبنان»، تشکیل دادند (محتشمی‌پور، ۱۳۸۵: ۴۲). پس از اتمام مأموریت کمیته نه‌نفره، شورایی پنج‌نفره ریاست تشکیلات جدید را برعهده گرفتند و از آن‌جایی که ظهور علنی و زودهنگام، علاوه بر شکست، عواقب سنگینی برای آن‌ها داشت، شورای لبنان مخفیانه به فعالیت و مبارزه علیه اشغال‌گران پرداخت.

در ۱۹۸۴، نام حزب‌الله برای تشکیلات آن‌ها انتخاب شد و با راه‌اندازی دفتر سیاسی حزب، دست به تأسیس نشریه هفتگی *العهد* زدند و تعداد اعضای شورا را از پنج نفر به هفت نفر افزایش دادند. تمامی این فعالیت‌ها مخفیانه انجام می‌شد و تا مدتی هیچ بیانیه رسمی درمورد عملیات‌های نظامی علیه ارتش اسرائیل صادر نمی‌کردند (قاسم، ۱۳۸۳: ۱۰۰)، زیرا اشغال بخش وسیعی از خاک لبنان به دست اسرائیل، حضور نیروهای چندملیتی، وجود دشمنانی هم‌چون ارتش لبنان و نیروهای شبه‌نظامی مسیحی (فالانژیست‌ها)، و رقیبی هم‌چون امل باعث شد که حزب‌الله، برای اجتناب از آسیب و نابودی سیاسی - نظامی زودرس، فعالیت‌های خود را تحت چتر «جبهه مقاومت ملی» انجام دهد و به همین سبب بسیاری از گروه‌های چپ‌گرای لبنان و جنبش امل بسیاری از موفقیت‌های نظامی حزب‌الله را، در مقابله با اسرائیل، به نام خود ثبت کردند.

پس از شکل‌گیری و راه‌اندازی دوره‌های آموزشی نظامی سپاه پاسداران در بعلبک، به تدریج، هسته‌های مقاومت تشکیل شد. با شکل‌گیری گروه‌های مقاومت در مناطق اشغالی لبنان، افراد مستقر در این مناطق در کمال مخفی‌کاری، در فرصت‌های مناسب، به مواضع و کاروان‌های نظامی اسرائیل حمله کردند و ضربات سنگینی به آنان وارد کردند. آن‌ها در نقش معلم، کاسب، صنعت‌گر، و مشاغل دیگر در منطقه حضور داشتند و حتی بعضی از آنان در عضویت رسمی امل باقی ماندند و از این پوشش به منظور اجرای عملیات نظامی استفاده می‌کردند، بی‌آن‌که هویت سیاسی آن‌ها آشکار شود (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۷۹).

با هدف قرارگرفتن پایگاه حزب‌الله در بقاع (پایگاه جتنا) به وسیله هواپیماهای اسرائیلی، رفته‌رفته عنوان «مقاومت اسلامی» به صورت غیر رسمی بر سر زبان‌ها افتاد و حزب‌الله، با کسب قدرت در تشکیلات و شاخه انقلابی، دریافت که لازم است هویت خود را اعلام کند، زیرا کتمان آن در این مرحله شمشیری دولبه بود و عملاً کارایی عملیات مخفی نیز از بین رفته بود. با سازمان‌دهی شاخه نظامی، گمان می‌رفت که مخفی‌کاری آن‌ها را از ضربات اسرائیل نجات دهد، ولی این حزب از نظر دستاوردهای سیاسی در حاشیه قرار

گرفته بود و عملاً گروه‌های دیگر در معادلات سیاسی نقش ایفا می‌کردند. بنابراین، حزب‌الله برای دستیابی به اهداف سیاسی، در ۶ ژانویه ۱۹۸۴، بیانیه‌ای رسمی منتشر کرد که در آن به معرفی خود پرداخت.

اعلام تشکل حزب‌الله سبب شد که این جنبش، از این تاریخ به بعد، بدون هیچ مانعی عملیات‌های خود را علیه اسرائیل گسترش دهد. سلسله تهاجم مقاومت اسلامی در سال‌های بعد موجب شد آمار تلفات نظامیان اسرائیلی به طرز چشم‌گیری افزوده شود و این امر، در افکار عمومی اسرائیل، نارضایتی را برانگیخت و در نتیجه به فشار بر دولت‌مردان این کشور و عقب‌نشینی آنان از بسیاری از نقاط لبنان انجامید.

پس از عقب‌نشینی اسرائیل، وضعیت عملیات مقاومت اسلامی دست‌خوش تغییرات شد و از آنجایی که عملیات نظامی از طریق هسته‌های مردمی ممکن نبود، نیروهای حزب‌الله به عملیات چریکی دست زدند و با ورود به مناطق اشغالی، به اجرای عملیات یا دست‌گیری نظامیان اسرائیلی مبادرت ورزیدند و برای تبادل اسیران حزب‌الله و تحویل گرفتن پیکر شهدا از گروگان‌ها استفاده کردند.

در ۱۹۸۹ با پایان جنگ‌های داخلی لبنان و انعقاد پیمان طائف، تغییرات اساسی در دیدگاه حزب‌الله درباره واقعیت‌های جامعه لبنان رخ داد و به رغم مخالفت برخی از سران حزب‌الله، از جمله صبحی طفیلی، با پیمان طائف رهبران این حزب با درایت سیاسی از برخورد رادیکال درخصوص سرنگونی نظام سیاسی لبنان پرهیز کردند و در نتیجه در بسیاری از عملکردها و مواضع این حزب تغییراتی رخ داد؛ به گونه‌ای که حزب‌الله چهره‌ای متفاوت با دهه ۱۹۸۰ به خود گرفت و سران حزب تصمیم گرفتند که، ضمن حفظ اقتدار نظامی خود در تقابل با اسرائیل در جنوب این کشور، رویکرد تازه‌ای را در فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی لبنان آغاز کنند.

به همین منظور، حزب‌الله مجموعه اصلاحاتی را برای هماهنگی گروه‌های سیاسی در لبنان و حفظ وحدت در برابر اشغال‌گران انجام داد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: همکاری با دولت لبنان، کنار نهادن روش‌های خشونت‌آمیز، کنار نهادن نظریه حکومت اسلامی در لبنان، شرکت در انتخابات و مشارکت سیاسی، تغییر مواضع در قبال کشورهای عربی و غرب، کاهش تنش با امل و گروه‌های شیعی، گرایش به لبنانی‌شدن، و تحول در روش‌های تبلیغاتی (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۹۵-۲۴۶).

رهبران حزب‌الله، با گذشت زمان در برابر تغییر اولویت حزب، دور جدیدی از فعالیت را

شروع کردند و بیش‌تر در راستای خط‌مشی نظام سیاسی لبنان قرار گرفتند و به تدریج حزب‌الله به حزبی سیاسی- اجتماعی و قانونی تبدیل شد و رفته‌رفته در افکار عمومی منطقه و جهان به محبوبیت دست یافت.

محبوبیت حزب‌الله، پس از جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶، افزایش یافت؛ رژیم اسرائیل در راستای برنامه‌های راهبردی امریکا برای تشکیل خاورمیانه جدید، با برخورداری از کمک‌های غرب با وعده فتح زودهنگام لبنان و با هدف تحریک افکار عمومی علیه حزب‌الله، به ویران‌کردن زیرساخت‌های اقتصادی لبنان و کشتار مردم غیر نظامی پرداخت و فجایی چون کشتار قانا را تکرار کرد. در طی جنگ ویران‌گر، درحالی‌که افکار عمومی جهان خواستار توقف کشتار وحشیانه مردم بی‌گناه بود، دولت امریکا، با بهره‌گیری از حق وتو، از تصویب قطع‌نامه آتش‌بس فوری و بی‌قید و شرط در شورای امنیت جلوگیری کرد و جنگ ادامه یافت تا شاید هدف‌های اسرائیل در حمله به لبنان تحقق یابد.

ازسویی، نیروهای حزب‌الله با مقاومت و ایستادگی در برابر تهاجم اسرائیل تحولی شگرف در مناسبات سیاسی و نظامی منطقه پدید آورد و سرانجام مقاومت حزب‌الله بر شش دهه تجهیز بین‌المللی ارتش اسرائیل غلبه کرد و این رژیم برای نجات از باتلاق لبنان، بدون کسب موفقیت، قطع‌نامه ۱۷۰۱ شورای امنیت را پذیرفت. ارتش مجهز اسرائیل، به‌رغم حمایت‌های بی‌دریغ امریکا و سایر هم‌پیمانان، در اجرای برنامه‌هایش ناکام مانده است.

۳. مهم‌ترین پیام‌های نهضت حسینی و بازخوانی آن در جنبش حزب‌الله

پس از توضیح اجمالی روند فعالیت این جنبش، در ادامه بر آنیم تا ضمن بررسی مهم‌ترین پیام‌های نهضت حسینی به بازخوانی آن‌ها در جنبش حزب‌الله بپردازیم که، درمقایسه با سایر الگوهای معاصر در دستیابی به حق، کارایی الگوی حسینی را برجسته سازیم.

۱.۳ آگاهی بخشی به مسلمانان

پس از رحلت جان‌گداز پیامبر اکرم (ص)، امت مسلمان با تبعیت از سقیفه در مسیر جهالت قرار گرفتند. انحراف از حکومت نبوی تاحدی شدت گرفت که حتی حضرت علی (ع) نیز با جنگ‌ها و شهادت خود نیز نتوانست جامعه را به صورت کامل اصلاح کند. پس از صلح اجباری امام حسن (ع) و به‌قدرت‌رسیدن معاویه، وی با هدف نابودی اسلام

و محو کردن اهل بیت از اذهان مردم چنان وضعیتی را در جامعه اسلامی پدید آورد که حامیان خاندان نبوت در اقلیت قرار گرفتند و مردم نیز در این زمانه به چند دسته اصلی تقسیم شدند:

دسته اول، اغلب کسانی بودند که درمقابل فساد معاویه سکوت اختیار کردند و به پستی و خواری تن داده بودند؛

دسته دوم، کسانی بودند که منافع شخصی خود را به رسالت و امامت ترجیح می دادند؛ دسته سوم، ساده لوحانی بودند که، تحت تأثیر تبلیغات و عوام فریبی های معاویه، اعمال و رفتار دستگاه بنی امیه را قانونی می دانستند و از آن پیروی می کردند؛

دسته چهارم، کسانی بودند که می پنداشتند امام حسن (ع) خلافت را به معاویه واگذار کرده و، به علت اوضاع و احوال پیچیده زمان، با وی سازش کرده است، هرچند مردم کوفه از نزدیک از صلح تحمیلی اطلاع داشتند، مسلمانان دیگر در سایر مناطق از این موضوع بی خبر بودند؛

دسته پنجم، یاران و پیروان واقعی اهل بیت پیامبر بودند که تعدادی اندک بودند و در گوشه و کنار سرزمین های اسلامی تحت نظارت شدید حکومت می زیستند (رجالی تهرانی، ۱۳۷۵: ۵۵).

بیست سال خلافت معاویه تمامی زمینه های تحریف اسلام را فراهم آورده بود تا آن که یزید جانشین پدر شد و تصمیم گرفت، با اخذ بیعت اجباری از حسین بن علی (ع)، آخرین نیرو و سنگر مقاوم در برابر اشرافیت بدوی قبیله ای را درهم شکند. واقعیت آن که حسین بن علی (ع) و یزید نمادهای دو جریان فکری متفاوت بودند؛ امام حسین (ع) نماد اسلام و سنت نبوی بود که در این دوران در خطر نابودی قرار گرفته بود و درمقابل یزید نماد تمام عیار فرهنگ بدوی و جاهلی عرب بود. بدین ترتیب، غلبه هریک بر دیگری و انقیاد و تسلیم یکی در برابر دیگری به معنای نابودی یکی و پیروزی جبهه مقابل بود.

معاویه و یزید، در سال های حکومت خود با تبلیغات منفی، می کوشیدند نام پیامبر اکرم را از مأذنه ها پایین بکشند و فرهنگ جاهلیت را حاکم کنند، اما حسین بن علی (ع) ضمن اثبات مظلومیت و حقانیت خاندان اهل بیت نبوت با خون خود جامعه اسلامی را از خواب غفلت بیدار کرد. «ابن خلدون»، مورخ سنی مذهب، در این زمینه نوشته است:

موجی از تنفر علیه دستگاه حکومتی و عاملان آن ها ایجاد شد و شیعیان به خود آمدند و از این که فرزند پیامبر خدا (ص) را یاری نکرده بودند، به شدت پشیمان شدند و به تدریج موج

بیداری سراسر جامعه اسلامی را فراگرفت و زمینه نهضت توأبین، قیام حرّه، و سایر قیام‌ها فراهم گشت (ابن خلدون، بی تا: ۳/ ۱۷۲).

امام حسین (ع) بخش نخست قیام خود را با خون و شهادت رهبری کرد و بخش دوم قیام را، که شامل «پیام» و «تبلیغ» بود، بازماندگان به گوش مردم رساندند و در این راه سیدالسادین و حضرت زینب، در مرکز سلطنت اموی، بنی‌امیه را رسوا و مردم را آگاه و بیدار کردند و عظمت و منزلت عترت رسول‌الله (ص) را نمایان ساختند. اهمیت بعد دوم تاحدی است که می‌توان گفت اگر این پیام‌رسانی نبود، قیام امام حسین (ع) تکمیل نمی‌شد و دشمنان درطی تاریخ آن را تحریف می‌کردند.

اگر در گذشته عده‌ای تحت تأثیر تبلیغات دشمنان می‌پنداشتند که عاشورا حادثه‌ای مقطعی است، امروز با توجه به تعالیم عاشورایی امام خمینی، استقرار حکومت اسلامی، و تأثیرگذاری آن در جنبش‌های اسلامی، ازجمله حزب‌الله لبنان، قیام حسینی رویدادی تلقی می‌شود که در تاریخ می‌تواند با آگاهی‌بخشی به انسان‌های آزاده پایه‌های ستم و استبداد را براندازد؛ شیخ نعیم قاسم، معاون حزب‌الله، نوشته است:

جامعه‌ای که به پیروی از الگوی امام حسین (ع) و یارانش تربیت یابد، از رفتار آنان مدد می‌گیرد و فداکاری خود را در برابر فداکاری آن‌ها اندک می‌شمرد. ما عشق به شهادت در راه خدا و جهاد در راه اسلام را از امام حسین (ع) آموخته‌ایم و عظمت و دستاوردهایی که پس از نهضت او در کربلا در طول نسل‌ها تحقق یافته است، درک کرده‌ایم (قاسم، ۱۳۸۳: ۶۶-۶۷).

حزب‌الله لبنان با اتخاذ دو هدف اساسی، ترویج اسلام و مبارزه با اسرائیل، به آگاه‌سازی مردم لبنان و منطقه پرداخت و از طریق روش‌ها و ابزارهای تبلیغاتی و فرهنگی به دنبال ترویج فرهنگ اسلامی در جامعه و گسترش فرهنگ مقاومت بود؛ این درحالی است که پس از شکست‌های اعراب در برابر اسرائیل حاکمان عربی و مردم منطقه این منطق را پذیرفته بودند که در برابر اراده آمریکا و اسرائیل چاره‌ای جز تسلیم نداریم و نباید در برابر آن‌ها مقاومت کرد ولی در عمل حزب‌الله به دیگران آموخت که باید در برابر دشمنان، تا رسیدن به پیروزی، به ایستادگی و مقاومت ادامه داد. به‌همین منظور، رسانه‌هایی هم‌چون شبکه تلویزیونی المنار، شبکه رادیویی النور، هفته‌نامه العهد، و پایگاه‌های اینترنتی گوناگون سهم عمده‌ای در اطلاع‌رسانی و آگاهی افکار عمومی داشته‌اند.

۲.۳ پاسداری از ارزش‌های اسلامی بر مبنای اصل امر به معروف و نهی از منکر

هنگامی که امویان به اسلام و ارزش‌های آن هجوم بردند و یزید و کارگزارانش به روشنی برخلاف احکام اسلام و دستورهای آن عمل می‌کردند امام حسین (ع) برای پاسداری از اسلام قیام کرد؛ چراکه اگر امام حسین (ع) قیام نمی‌کرد، دیری نمی‌پایید که از اسلام جز نامی باقی نمی‌ماند.

امام بر این باور بود که اگر برای پاسداری از اسلام راهی جز کشته‌شدن نباشد، باید جان خود را فدای اسلام کرد. آن بزرگوار در این باره چنین فرمود: «لو لم یستقم دین جدی الا بقتلی فیا سیوف خذینی: اگر دین جدم جز به کشته‌شدن من استوار نمی‌ماند، پس ای شمشیرها مرا فرا گیرید» (ابن طاووس، ۱۳۸۴: ۲۰).

فلسفه این قیام آن است که اگر در جامعه‌ای حاکم جامعه اسلامی ستم‌گر باشد، باید بر اساس مراحل امر به معروف و نهی از منکر با او برخورد کرد. بر همین اساس امام حسین (ع)، در وصیت‌نامه خود، یکی از انگیزه‌های قیامش را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند:

من از روی خودخواهی، غرور، خیره‌سری، و یا به منظور ایجاد فساد و آشوب و ظلم و ستم‌گری به پا نخاسته‌ام، بلکه قیام من برای اصلاح امور مسلمانان و اجرای برنامه امر به معروف و نهی از منکر در میان امت اسلامی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴ / ۳۲۹).

از درس‌های نهفته در این سخن آن است که فریضه امر به معروف و نهی از منکر فقط در تذکرات به بعضی از گناهان جزئی از سوی افراد عادی خلاصه نمی‌شود، بلکه قیام برضد حکومت ستم‌گر، تلاش برای اصلاح ساختار سیاسی جامعه، و تشکیل حکومت بر اساس حق و قرآن نیز از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است.

حزب الله لبنان، از ابتدای تأسیس، در فعالیت‌های خود هر دو بعد مذکور را دنبال کرد. در مورد بعد اول باید یادآوری کرد که این حزب، در ابتدای فعالیت خود برای پاسداری از ارزش‌های اسلامی بر مبنای اصل امر به معروف و نهی از منکر، تلاش بسیاری کرد؛ برای نمونه در بهمن ۱۳۶۲، که غرب بیروت به دست رزمندگان شیعه افتاد، حزب الله اقدام به تأسیس مصلی‌هایی در نقاط گوناگون این منطقه کرد که این مصلی‌ها محلی برای برگزاری مراسم دینی، نماز جماعت، جشن‌ها، و سوگواری‌های مذهبی شد (شراره، ۱۹۹۸: ۲۳۵). علاوه بر آن، حزب الله برای اجرای احکام شرعی تشکیلاتی به نام «پلیس اخلاق» را به راه انداخت که، بر اساس قوانین آن، برای مغازه‌داران فروش مشروبات الکلی ممنوع شد؛

هم‌چنین زنان لبنانی، که معمولاً لباس‌های رنگارنگ می‌پوشیدند، به تبعیت از فضای جدید برخی از آنان لباس‌های یک‌رنگ و یک‌شکل را انتخاب کردند (همان: ۳۵۵).

اما در مورد بعد دوم، تلاش برای اصلاح ساختار سیاسی جامعه و تشکیل حکومت براساس حق می‌توان گفت این جنبش، در ابتدای تأسیس، نظام سیاسی وقت لبنان را قبول نداشته و خواستار تغییر آن بوده است، زیرا آن‌ها نظام طایفه‌ای لبنان را ساخته دست استعمار و جزئی از نقشه سیاسی مخالف با اسلام می‌دانستند و چون آن را اصلاح‌شدنی و ترمیم‌شدنی نمی‌دانستند خواستار تغییر بنیادین آن بودند (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

با توجه به این دیدگاه آن‌ها، یکی از برنامه‌های حزب‌الله در دهه ۱۹۸۰ ایجاد مانع در برابر ساختارهای سیاسی و اداری لبنان و جلوگیری از مشروعیت یافتن دوباره آن‌ها بود (شراره، ۱۹۹۸: ۲۷۰)؛ درحالی‌که آن‌ها فراتر از منافع ملی از طرح فراگیر مربوط به جهان اسلام سخن می‌گفتند (النهار، ۱۹۹۵) و در امتداد جنبش جهانی اسلامی و پیرو رهنمودهای امام خمینی، در راستای ایجاد کشور بزرگ و یک‌پارچه اسلامی تلاش می‌کردند. البته پس از پیمان طائف در ۱۹۹۱، با توجه به مقتضیات و شرایط تازه جامعه لبنان، حزب‌الله با پذیرش دموکراسی اجماعی در لبنان خواستار برپایی نظام غیر طایفه‌ای، اصلاح نظام فعلی، شایسته‌سالاری، و رفع محرومیت در جامعه لبنان شدند (بی‌نا، بی‌تا: ۲۴-۲۵).

۳.۳ معرفی گروه‌های باطل

پیامد دیگر نهضت خونین عاشورا پرده‌برداشتن از چهره منافق و معرفی گروه باطل بود؛ زیرا واقعه کربلا چهره واقعی و ماهیت حقیقی حاکمیتی را که به نام اسلام بر مردم حکم می‌راند، برای افکار عمومی روشن کرد تا آزادگان و تشنگان حقیقت بدانند که اسلام ناب محمدی (ص) غیر از آن دینی است که امویان معرفی کردند.

در جامعه لبنان شیعیان، که قبل از شکل‌گیری حزب‌الله لبنان، در مقایسه با طایفه‌های دیگر مذهبی سازمان‌دهی مستقلی نداشتند و همواره در حق آنان اجحاف می‌شد. بنابراین، اولین اقدام جنبش حزب‌الله در ۶ ژانویه ۱۹۸۴ در قالب بیانیه شکل گرفت که، ضمن معرفی خود و اعلان تبعیت از ولایت فقیه با رهبری امام خمینی، خواهان تشکیل دولت اسلامی برپایه «نهضت مقدس ایران» شدند و جهان غرب، به‌ویژه آمریکا، اسرائیل، فرانسه، و فالانژیست‌ها در لبنان، را دشمنان اصلی خود نام بردند (حشیشو، ۱۳۸۰: ۴۶). حزب‌الله دشمنی با آمریکا، که آن را ریشه تمامی منکرات در جهان می‌دانستند، و جنگیدن در برابر

امریکا را دفاع از اسلام و حق مشروع خود می‌دانستند. دشمنی آنان با فرانسه نیز به این علت بوده که فرانسه همواره از مسیحیان مارونی و شبه‌نظامیان مسیحی (فالانژیست) در لبنان حمایت می‌کرده است. درواقع، حزب‌الله خواستار ریشه‌کنی اسرائیل، غاصب سرزمین لبنان، است و آن را «غدهٔ سرطانی و سرنیزهٔ امریکا در جهان» می‌داند. حزب‌الله فالانژیست‌ها را بدان علت دشمن اصلی خود معرفی کرد که آلت دست و مجری طرح‌های امریکا و اسرائیل و آغازگر جنگ داخلی لبنان در ۱۹۷۵ بوده است (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۲۱-۱۲۴).

۴.۳ عزت‌مندی

یکی دیگر از درس‌های عاشورا، در عرصهٔ رفتار سیاسی، عزت‌مندی است. امام حسین (ع) مرگ با عزت را زندگی و زندگی با ذلت را عین مرگ می‌دانست و فرمود: «الموت خیر من رکوب العار والعار خیر من دخول النار: مرگ از پذیرش ننگ بهتر، و ننگ از ورود در آتش سزاوارتر است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/۱۹۲).

هم‌چنین امام حسین (ع)، وقتی در محاصرهٔ کامل سپاه پلیدی قرار گرفت، فرمود: «لا والله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لا افر فرار العیید: نه، به خدا سوگند من دست ذلت به شما نخواهم داد و هرگز مانند بردگان فرار نمی‌کنم» (شیخ مفید، ۱۳۴۶: ۲/۱۰۰-۱۰۱).

امام حسین (ع) و دیگر عاشوراییان با گفتار و عمل خود به ما آموختند که رفتار مسلمانان باید از موضع عزت باشد، چراکه در فرهنگ اسلامی مسلمان عزیز است و هرگز نباید تن به ذلت و خواری بدهد.

پیش از تشکیل جنبش حزب‌الله، به‌رغم تلاش‌های امام موسی صدر و سایر شیعیان برای ارتقای وضعیت شیعیان این کشور، شیعیان هم‌چنان در محرومیت به‌سر می‌بردند تا جایی که دیگران خود را ارباب شیعه دانستند و به‌علت سامان‌دهی نشدن شیعیان آن‌ها همواره ابزاری در دست طوایف و احزاب سیاسی دیگر بودند. پس از تشکیل این حزب، روستایی فقیر و یا جوان فقیر شیعه‌ای ساکن حومهٔ جنوبی بیروت، ازطریق حزب‌الله، به مسلمانانی انقلابی تبدیل شد که به عضویت جامعهٔ دینی - سیاسی گسترده‌ای درآمده بود و در جنبشی جهانی، به رهبری امام خمینی، برای پیروزشاختن اسلام بر کفر جهانی سرباز به‌شمار می‌رفت. آن‌ها، به برکت شکل‌گیری هویت مستقل شیعی، توانستند به جایگاه بهتری دست یابند؛ به‌ویژه این که همکاری احزاب شیعی، پس از پیمان طائف، باعث شد تا شیعیان لبنان به یکی از قدرت‌مندترین طایفه‌های سیاسی این کشور تبدیل شوند و با انتقال از

حاشیه به مرکز تحولات نقش فزاینده‌ای را در تحولات سیاسی اجتماعی لبنان برعهده بگیرند. آن‌ها در راستای دست‌یابی به حقوق شهروندی خود گام‌های متعددی برداشتند و گرچه هنوز این وضعیت متناسب با جمعیت آن‌ها نیست به تدریج شیعیان چنان به لحاظ جایگاه سیاسی و اجتماعی در حال رشدند که در حال حاضر هیچ‌یک از طایفه‌ها و حاکمان، همانند گذشته، نمی‌توانند عزت شیعه را در لبنان نادیده بگیرند. در این زمینه، رایزن فرهنگی سابق ایران گفت: «وضعیت امروز شیعیان لبنان را می‌توان از جمله پردرخشش‌ترین برهه‌های تاریخ جدید لبنان شمرد» (میرزایی، ۱۳۷۹: ۱۸).

۵.۳ ولایت‌مداری

یکی از جلوه‌های فکری و اعتقادی اصحاب امام حسین (ع) در قالب حمایت بی‌دریغ از مقام ولایت معصوم آشکار است. حماسه یاران امام بیان‌گر حمایت از ولایت و امامت است و بر همین مبنا ضرورت دارد که شیعیان، در سایه «شعور حسینی»، نگران نابودی، ضعف، و آسیب‌پذیری دین و ایمان خود باشند و در سایه حمایت از «ولایت فقیه» پاسداری از دین و جامعه اسلامی را در سرلوحه کارهای خود قرار دهند.

در جوامع اسلامی خارج از ایران، جنبش حزب‌الله از جمله گروه‌هایی است که همواره افراد این جنبش تا آخرین قطره خون خویش از رهبری امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای حمایت کردند.

از لحاظ تاریخی نیز فقط چند روز پس از تهاجم ارتش اسرائیل، عده‌ای از جوانان شیعه الگوی مقاومت را محقق ساختند و خود را «پیرو امام خمینی» معرفی کردند. آن‌ها توانستند با اسلحه‌های سبک دروازه جنوبی شهر بیروت را بر نیروهای اسرائیلی ببندند (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۵۴).

نکته درخور توجه این جنبش آن‌که اصلی‌ترین ویژگی حزب‌الله، در مقایسه با گروه‌های اسلام‌گرای شیعه در جهان عرب، پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی است. پذیرش این نظریه بر تمامی ارکان، تشکیلات، و دیدگاه‌های حزب‌الله سایه انداخته و از عوامل اصلی ادغام مجموعه‌های کوچک اسلام‌گرا در لبنان در ۱۹۸۲ و تشکیل حزب‌الله بود (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۷۴). بدین ترتیب، اندیشه امام خمینی، به‌منزله یگانه مصدر حاکمیت قانونی در حزب‌الله لبنان، پذیرفته شده است؛ به‌گونه‌ای که این حزب، در ابتدا علاوه بر عمل به فرمان‌های امام خمینی، در پی تأسیس حکومت اسلامی مشابه جمهوری اسلامی در لبنان بود.

حسین موسوی (ابوهشام) در این باره گفت: «ما در سطح سیاسی، عقیدتی، و مذهبی تابع عقاید و نظرهای امام خمینی هستیم» (موسوی، ۱۹۸۴).

سید حسن نصرالله درخصوص پیروی حزب الله از رهبری امام خمینی می گوید:

از نظر ما، امام خمینی مرجع دینی، امام، و رهبر به تمام معنای کلمه است، همان گونه که هر رهبر بزرگ دینی در هر کیشی در جهان این گونه است. اما امام برای ما بیش از این است. ایشان سمبل و نماد انقلاب علیه طاغوت ها و مستکبران و نظام های استبدادی است (نصرالله، ۱۹۹۵).

از دیدگاه حزب الله، امام خمینی، درمقام ولی امر مسلمین، علاوه بر مدیریت دولت اسلامی ایران، به وظایف سیاسی عموم مسلمانان جهان، دشمنی با استکبار، استقلال درونی، و وحدت کشورهای اسلامی در برابر سلطه غارت گران مستکبر، رسیدگی می کرد (قاسم، ۱۳۸۳: ۸۰-۸۱). انجام دادن تمامی مأموریت ها از طریق شخص ولی فقیه در جزئیات امکان پذیر نیست؛ بنابراین آن ها را به افراد، نهادها، و ارگان های اجرایی واگذار کرد که در امور اجرایی استقلال دارند و حزب الله نیز، در جایگاه حزبی لبنانی، به همه مسائل کشور لبنان در عرصه های جهادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی توجه داشته و درعین حال، حامل پرچم اسلام است (همان: ۸۲).

۶.۳ احیای روحیه شهادت طلبی

تاریخ زندگی اجتماعی بشر گواهی می دهد که انسان از بدو خلقت تا به امروز به شیوه های متعدد تلاش کرده است تا خود را جاودانه کند. از این رو، در جوامع مشاهده می شود که انسان ها از مرگ و فنا واهمه دارند و از آن روی گردانند و سعی دارند به نوعی زنده و جاوید بمانند. خدای متعال، که از این میل باطنی بشر آگاه است، راه جاودانی را فراروی بشر نهاده و او را به سوی جاودانگی رهنمون کرده و شهادت را به او هدیه داده و فرموده است که راه ماندگاری مرگ سرخ است، آن را برگزینید تا در تاریخ ماندگار شوید: «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء» (آل عمران: ۱۶۹).

پیامبر اکرم (ص)، در تفسیر این آیه، مفهوم شهادت را بسط داده و فرموده است: «من قتل دون مظلومه فهو شهید: هر که در برابر ظلمی کشته شود شهید است» (الحرالعالمی، ۱۳۷۴: ۱۱/۹۲).

حسین بن علی (ع)، با علم به شهادت، راه کربلا را درپیش گرفت و دیگران را نیز از این علم

بی‌خبر نگذاشت؛ آن هنگام که ام‌سلمه از سفر آن حضرت اظهار ناراحتی کرد، فرمود: «من می‌دانم در چه ساعت و در چه روزی کشته خواهم شد و می‌دانم کدام شخص مرا خواهد کشت و از خاندان و یاران من کدام افراد کشته می‌شوند» (مقرم، ۱۳۶۸: ۵۸).

سرانجام، آن حضرت با شهادت خود راه جاودانگی را به بشر آموخت. از آن پس تا به امروز، هر انسان آزاده‌ای در مقابل ظلم ایستاده است و مرگ سرخ را انتخاب می‌کند تا هم خود ماندگار شود و هم جامعه را از آلودگی‌ها پاک سازد.

جنبش حزب‌الله لبنان از جنبش‌های اصلی در دنیای معاصر است که راه شهادت را برای دستیابی به اهداف خود در برابر ظالمان اتخاذ کرده است. در بدو تأسیس این جنبش، گرچه برخی بر آن باور بودند که، برای رسیدن به اهداف شیعیان در جامعه لبنان، استفاده از روش دیپلماسی و سیاسی برای رسیدن به اهداف ممکن بوده است، بسیاری بر این نظر بودند که روش مذاکره و دیپلماسی در شرایط نابرابر فایده‌ای ندارد و تنها راه خروج شیعیان از این وضعیت تکیه بر شهادت‌طلبی جوانان و اثبات کارایی فرهنگ شیعه بود (قاسم، ۱۳۸۳: ۷۱-۷۲). بر مبنای این دیدگاه، آن‌ها به علت نارضایتی از عملکرد حکام داخلی و حضور استعمارگران با الهام از قیام امام حسین (ع)، به مثابه نماد مبارزه برای حق، در راه رسیدن به اهداف خود کوشیدند.

پس از اعلام رسمی حضور حزب‌الله، اعضای آن بی‌هیچ واکنشی عملیات نظامی خود را علیه اسرائیل شدت بخشیدند و این مقاومت در برابر اسرائیل در آغاز غریب به نظر می‌رسید و گاهی حتی خانواده‌هایشان نیز آن‌ها را یاری نمی‌کردند، بلکه حتی در مجامع گوناگون نیز آن‌ها را «مشتی دیوانه» می‌دانستند، زیرا از دیدگاه آنان مقاومت در برابر اسرائیل هم چون تحمل خار در چشم است. در حالی که، جوانان حزب‌الله خود را هم‌چون کوهی استوار و صخره می‌پنداشتند و با الهام از الگوی شهادت و فداکاری امام حسین (ع) توانستند به مدد نحوه جدیدی از مقاومت در قالب «عملیات شهادت‌طلبانه» افق جدیدی را در راه مبارزه بگشایند.

مهم‌ترین عملیات شهادت‌طلبانه حزب‌الله، در سال‌های اول، نابودکردن مقر فرمان‌دار نظامی ارتش اسرائیل در شهر «صور» به دست «احمد قصیر» در نوامبر ۱۹۸۲ بود که، طی آن عملیات، ۷۶ افسر و سرباز اسرائیلی کشته شدند، هم‌چنین در نوامبر ۱۹۸۳ یک عملیات شهادت‌طلبانه را در یکی از مقرهای اصلی نظامیان اسرائیلی انجام دادند که در این عملیات نیز ۲۹ افسر و سرباز اسرائیلی کشته شدند. این عملیات‌ها نخستین واکنش شدید در برابر اشغال خاک لبنان به‌شمار می‌رفت و در واقع بیان‌گر کارزاری بود که ارتش اسرائیل از آن پس

در لبنان با آن مواجه بود و این وضع نوع جدیدی از مقاومت را نشان می‌داد که پا به عرصه گذاشته است.

این عملیات‌ها تنها به مبارزه علیه اسرائیل ختم نشدند، بلکه با سایر نیروهای چندملیتی در لبنان مقابله می‌کردند که از دیدگاه حزب‌الله اشغال‌گر بودند. مهم‌ترین این عملیات‌ها انفجار در مقر تفنگ‌داران دریایی آمریکا در ۱۹۸۳ بود که به کشته شدن ۲۴۱ نظامی آمریکایی منجر شد. این عملیات «بدترین حادثه پس از جنگ ویتنام برای نظامیان آمریکایی» محسوب شد (کدیور، ۱۳۷۹: ۱۱۶).

هم‌زمان با این انفجار، بمبی در ساختمان تفنگ‌داران فرانسوی عضو نیروهای چندملیتی متفجر شد که بر اثر آن ۵۸ چترباز کشته شدند و این کشتار، پس از پایان جنگ الجزایر در ۱۹۶۱ (۲۲ سال قبل)، بدترین ضربه نظامی از نظر فرانسویان بود (رایت، ۱۳۷۲: ۲).

عملیات‌های شهادت‌طلبانه مذکور واکنش اسرائیل، آمریکا، و سایر نیروهای چندملیتی حاضر در لبنان را به همراه داشت. به رغم تلاش مشترک آنان با ارتش لبنان به منظور نابودی حزب‌الله، انشعاب در ارتش ملی لبنان باعث شکست ارتش در مقابله با حزب‌الله شد و سرانجام دولت‌های غربی شرکت‌کننده در نیروهای چندملیتی درمورد حضور خود در لبنان تجدید نظر کردند. تداوم حملات شهادت‌طلبانه نیروهای مقاومت سبب شد که اسرائیل از حومه بیروت به اطراف رودخانه‌الاولی، در شمال شهر صیدا، عقب‌نشینی کند و بدین ترتیب سه کشور آمریکا، انگلیس، و ایتالیا نیز نیروهای خود را در فوریه ۱۹۸۴ از لبنان خارج کردند و فرانسه نیز در مارس ۱۹۸۴ به همین کار مجبور شد (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۹۱).

با خروج نیروهای غربی از لبنان به تدریج عملیات شهادت‌طلبانه حزب‌الله علیه اسرائیل شدت گرفت و سلسله تهاجمات مقاومت اسلامی در سال‌های بعد باعث شد تا آمار تلفات در میان نظامیان اسرائیلی به طرز چشم‌گیری بالا رود که این وضعیت موجبات نارضایتی در افکار عمومی اسرائیل و فشار بر دولت مردان این کشور را فراهم آورد. خسارت‌های ناشی از فشار نظامی مقاومت اسلامی کارساز شد و در ژانویه ۱۹۸۵، با تصمیم کابینه دولت اسرائیل، ارتش این کشور از بسیاری از مناطق اشغالی عقب‌نشینی کرد و طی چند مرحله عقب‌نشینی، با استقرار نیروهای خود در منطقه‌ای هم‌جوار مرزهای خود در جنوب لبنان، این منطقه را «کمربند ایمنی» نام نهاد (Zisser, 1997: 34).

این عقب‌نشینی که تحت فشار عملیات‌های شهادت‌طلبانه حزب‌الله صورت گرفته

بود، موجب حیرت همگان شد و رابین رایت (R. Wright)، خبرنگار امریکایی، در این باره نوشته است:

در طول تاریخ کشور یهود اسرائیل، این اولین بار بود که یک دولت یهودی تحت فشار یک کشور عربی به عقب‌نشینی تن داده بود ... اسرائیل، به عنوان چهارمین قدرت نظامی جهان، اولین شکست خود را تجربه کرده و جنوب لبنان به صورت یک ویتنام درآمده است (رایت، ۱۳۷۲: ۱۴۰-۱۴۲).

در واقع با این عقب‌نشینی، شکست در جنوب لبنان تنها نگرانی دولت اسرائیل نبود بلکه آن‌ها نگران رواج روش مبارزاتی حزب‌الله (عملیات استشهادی) در میان مسلمانان نوار غزه و کرانهٔ باختری رود اردن بودند که عملاً این واهمه، در شروع انتفاضهٔ فلسطین، تحقق یافت.

پس از چنین اقداماتی از سوی جوانان شیعی حزب‌الله، مستشرقان به شناخت ریشه‌های این اقدامات و توضیح آن مبادرت ورزیدند؛ رابین رایت در این زمینه نوشته است: «ریشهٔ این اقدامات به قیام امام حسین (ع) برمی‌گردد که این قیام به عنوان نماد جهاد در راه اسلام و مبارزه برای حق به عنوان آرمان شیعه مطرح است» (همان: ۲۶).

هم‌چنین ماروین زونیس (M. Zonis)، رئیس انستیتوی خاور نزدیک در دانشگاه شیکاگو، گفت:

امام حسین (ع) زندگی خود، خانواده، و یارانش را، در قرن هفتم، در این راه که حکومت تشیع را بر تمام مسلمین حاکم سازد، فدا نمود و آیت‌الله خمینی دوباره فکر ایثار و شهادت را به عنوان یک وسیله احیا کرده است تا به اهداف اسلامی جامعهٔ عمل بباشد. شهیدشدن برای شیعیان بهترین و افتخارآمیزترین وسیلهٔ دفاع از ایمان بوده و حمله به دشمنان و رقیبان کاری ممتاز و دلیرانه محسوب می‌شود، نه این که کاری از روی جنون، ترور یا از روی یأس و نومیدی باشد (همان: ۲۷).

۷.۳ ادای وظیفهٔ جوانان و خانواده به منظور ادای تکلیف الهی

امام حسین (ع) به‌خوبی آگاهی داشت که رژیم طاغوتی یزید نه تنها به هیچ نویسنده‌ای اجازه نمی‌دهد که تاریخ عاشورا را آن‌گونه که روی داده است به ثبت رساند، بلکه جیره‌خوارانی را با زر و زور به کار می‌گیرد که جنایات خونین کربلا را به شکل دیگری نمایش دهند و امام حسین (ع) را خشونت‌طلب بخوانند و حرکت شهادت‌طلبانه و ایثارگرانهٔ او را تلاشی در راه

دستیابی به قدرت بنمایانند. امام حسین (ع)، به منظور برطرف کردن این اتهام‌ها، به همراه اعضای خانواده خود به جهاد علیه دشمن مبادرت ورزیدند و در راه رسیدن به شهادت جوانان بنی هاشم در صف اول قرار گرفتند. آیت الله مطهری درخصوص فلسفه این اقدام امام حسین (ع) می‌گوید:

آیا حسین بن علی (ع) بچه‌های خود را دوست نداشت؟ مسلماً او انسان‌تر از ما بود و قهرراً عواطف انسانی او هم بیش‌تر بود. حسین بن علی (ع) نیز بیش‌تر از ما فرزندان خود را دوست می‌داشت، اما درعین حال او خدا را از همه کس و همه چیز بیش‌تر دوست می‌داشت و در راه خدا هیچ کس را به حساب نمی‌آورد (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۷/۲۲۵).

از این رو، او شهادت جوانان بنی هاشم، اسارت، و آوارگی زنان و فرزندان خاندان پیامبر را می‌پذیرد تا از تحریف تاریخ پیش‌گیری کند و پیام رهایی‌بخش خویش را به گوش جهانیان برساند و در نتیجه عاشوراییان را در هر عصری و در میان هر نسلی برضد حاکمان ظالم زمان به خیزش وادارد و راه عاشورا را در طی تاریخ امتداد ببخشد و این تفکر را در دل‌ها و اندیشه‌ها زنده سازد.

جنبش حزب الله لبنان جنبشی اسلامی با الهام از قیام عاشوراست که از جریان‌های مبارزاتی جوان‌گراست. تربیت انبوهی از نیروهایی که برای شهادت و اجرای عملیات‌های شهادت طلبانه لحظه‌شماری می‌کنند، از ابتکارات ویژه این جنبش در نابودی ماشین جنگی رژیم صهیونیستی است که ملهم از جوانان شهادت طلب کربلاست. عمر شهدای حزب الله، در ۱۹۹۳ اغلب ۱۹-۳۳ سال، در ۱۹۹۴ بین ۱۷-۲۸ سال، در ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ بین ۱۸-۳۵ سال و در ۱۹۹۷ بین ۱۸-۳۸ سال بود و در عملیات‌های شهادت طلبانه سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۱، ۲۹۲ مورد آن به دست جوانان این جنبش صورت گرفت (بی‌نا: ۱۳۶۳) و بدین ترتیب مقاومت جوانان حزب الله علیه ظلم به الگوی جوانان جهان عرب و رکن اصلی موازنه منطقه‌ای و جنگ اعراب با اسرائیل تبدیل شد.

علاوه بر تمایل جوانان حزب الله به شهادت، اعضای این جنبش، همانند امام حسین (ع)، در رسیدن به اهداف الهی از هیچ اقدامی فروگذار نکردند و تمامی اعضای خانواده خود را آماده مبارزه کردند. چنان‌که «سیدعباس موسوی»، رهبر پیشین حزب الله، به همراه همسر و دو فرزندش در حین انجام دادن مأموریت به شهادت رسیدند.

هم‌چنین در ۱۹۹۷، سیدحسن نصرالله فرزند ارشد خود، سیدهادی نصرالله، را برای عملیاتی استشهادی به داخل پادگان نظامیان صهیونیستی فرستاد. در آن عملیات

غافل‌گیرکننده، که به هلاکت درجه‌داران و سربازانی از رژیم صهیونیستی انجامید، سیدهادی به‌همراه یکی از هم‌زمان خود به‌شهادت رسید و دوربین‌های تلویزیونی رژیم صهیونیستی بی‌خبر از آن‌که یکی از این شهدا فرزند نصرالله است، چهرهٔ مجری عملیات استشهادی را برای جهانیان پخش کرد. ساعاتی بعد، مردم لبنان و بسیاری از کشورهای منطقه با شناسایی چهرهٔ سیدهادی به خیابان‌ها ریختند و به سیدحسن نصرالله تبریک و تهنیت گفتند. نمایش چهرهٔ سیدهادی نوزده‌ساله که ساعاتی قبل از عملیات از زیر قرآنی که پدر بالای سر او گرفته بود عبور کرده و برای لحظاتی در آغوش گرم نصرالله آرمیده بود، انقلابی در مناطق صهیونیست‌نشین برپا کرد (توال، ۱۳۸۷). درحالی‌که بسیاری از مسئولان ارشد لبنانی، عرب، و رژیم صهیونیستی فرزندان و همسران خود را، از ترس کشته‌شدن، به امریکا، کشورهای اروپایی، و برخی کشورهای عربی، ازجمله عربستان، مصر، و سوریه، می‌فرستادند، فرزند دبیر کل حزب‌الله، با الهام از علی‌اکبر (ع)، الفبای مقاومت و پایداری را به رخ دیگران کشاند.

۸.۳ الهام‌بخشی نهضت‌های رهایی‌بخش و حرکت‌های انقلابی

افراد در زندگی اجتماعی خود همواره در پی الگوها و سرمشق‌هایی‌اند تا بتوانند با پیروی از آنان به زندگی مطلوب برسند. به‌همین منظور، تلاش می‌کنند بهترین‌ها را برگزینند. «یک الگو چیزی است که ساخته می‌شود تا برای ساختن نمونه‌های دیگر سرمشق قرار گیرد» (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ۱۵۵).

امام حسین (ع) الگویی شایسته در قیام علیه ظلم و رهایی از ستم برای انسان‌ها، چه مسلمان چه غیر مسلمان، سرمشق است. چنان‌که مهاتما گاندی (M. K. Gandhi)، رهبر بزرگ هند، در این زمینه گفت:

من زندگی امام حسین، آن شهید بزرگ اسلام، را به‌دقت خوانده‌ام و توجه کافی به صفحات کربلا نموده‌ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از امام حسین پیروی کند (هاشمی‌نژاد، ۱۳۵۱: ۴۴۷).

حرکت‌ها و جنبش‌های فراوانی، به پیروی از واقعهٔ عاشورا، علیه حاکمان ستم‌گر قیام کردند و در دوران معاصر نیز جنبش حزب‌الله لبنان نمودی از این الگوپذیری است که با مقاومت خود در برابر اسرائیل و سایر دشمنان توانست به بازتولید الگوی مقاومت بپردازد. پس از کسب پیروزی‌های حزب‌الله در مقابله با اسرائیل و سایر دشمنان داخلی و خارجی بسیاری

از گروه‌های مسلمان ضمن اعتماد به حزب‌الله به منزله الگو از آن یاد کردند و به تدریج این الگو به منظور بیداری اعراب و انتفاضه عمومی برای امت مسلمان علیه ظلم به کار گرفته شد و علاوه بر انتقاد ذهنیت تاریخی اعراب در مقابله با اسرائیل روح تازه‌ای در سایر جنبش‌های مقاومت علیه اسرائیل دمیده شد و مقاومت حزب‌الله به اسطوره‌ای تبدیل شد که آتش انتفاضه را در دل فلسطینیان به امید آزادسازی همه‌جانبه قدس برافروخت. جنبش حزب‌الله برای تقویت این وضعیت، به یاری شبکه مؤثر سمعی و بصری خود و اخراج ارتش اسرائیل از جنوب لبنان، این باور را در میان فلسطینی‌ها تقویت کرد که می‌توان از طریق عملیات قهرآمیز سرزمین‌های اشغال‌شده به دست اسرائیل را بدون غلتیدن در دام مذاکرات بیهوده و تحقیرآمیز دوباره به دست آورد (Rougier, 2007).

۹.۳ هم‌بستگی و انسجام اجتماعی

هم‌بستگی و انسجام اجتماعی از نیازهای ضروری جامعه است که بدون آن جامعه قدرت تداوم و استمرار ندارد و، با مخاطره زندگی اجتماعی انسان، سعادت او خدشه‌دار می‌شود. بدین ترتیب، انسان‌ها برای رسیدن به هم‌بستگی و انسجام اجتماعی روش‌ها و عوامل متعددی را درپیش گرفته‌اند که برخی از آن‌هاست:

(الف) اعمال زور و فشار؛

(ب) وجود دشمن مشترک؛

(ج) برگزاری مسابقات ورزشی و سرگرمی‌های همگانی؛

(د) عامل مذهب و گسترش آن؛

(ه) بالابردن سطح آگاهی مردم برای شناساندن ارزش‌های واقعی و لزوم وحدت

(رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۴۹-۱۵۵).

از عوامل انسجام اجتماعی، یکی عامل مذهب و دیگری بالابردن سطح آگاهی مردم در شناخت ارزش‌های واقعی است که انسجام و اجتماع شیعه، در طی تاریخ، موهون قیام عاشورا است. درکل، می‌توان گفت که عاشورای حسینی به دو طریق انسجام اجتماعی را به جامعه اسلامی هدیه کرد:

(الف) از طریق آگاهی‌بخشی و روشن‌گری دینی؛

(ب) از طریق عزاداری و سوگواری.

در زمینه هم‌بستگی اجتماعی، فعالیت‌ها و کنش‌ها دو نوع کارکرد درخور توجه دارد:

۱. کارکردهای آشکار، یعنی کارکردهایی که برای شرکت‌کنندگان در فعالیت (کنش‌گران) شناخته شده و مورد انتظار است؛

۲. کارکردهای پنهان، یعنی نتایج فعالیت‌هایی که شرکت‌کنندگان در آن فعالیت از آن آگاه نیستند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۷۴۹).

سوگواری و عزاداری برای امام حسین (ع) و شهدای کربلا نیز دو نوع کارکرد آشکار و پنهان دارد.

از مهم‌ترین کارکردهای آشکار این واقعه عظیم عبارت است از زنده نگه‌داشتن یاد شهدا، احیای فرهنگ عاشورا، و احیای فرهنگ جهاد و ایثار.

علاوه بر کارکردهای آشکار، کارکردهای پنهان نیز دارد که برجسته‌ترین آن‌ها هم بستگی گروهی و انسجام شیعیان است و این واقعیتی است که محققان و مورخان بدان اشاره کرده‌اند. نیکلسن (R. A. Nicholson) در این باره می‌گوید:

حادثه کربلا حتی مایهٔ پشیمانی و تأسف امویان شد، زیرا این واقعه شیعیان را متحد کرد و برای انتقام حسین (ع) هم صدا شدند و صدای آنان در همه‌جا، به‌ویژه عراق و میان ایرانیان انعکاس یافت (حسن ابراهیم، ۱۳۶۶: ۱/ ۳۶۵).

فیلیپ حتی (P. K. Hitti) می‌نویسد: «فاجعه کربلا سبب جان‌گرفتن و بالندگی شیعه و افزایش هواداران آن مکتب گردید» (حتی، ۱۹۹۴: ۳/ ۲۵۱).
خربوطلی نیز در این باره نوشت:

شهادت امام حسین (ع) در کربلا بزرگ‌ترین حادثه تاریخی بود که منجر به تشکل و تبلور شیعه گردید و سبب شد که شیعه به‌عنوان یک سازمان قوی با مبادی و مکتبی سیاسی و دینی مستقل در صحنه اجتماع اسلام آن روز جلوه کند (خربوطلی، ۱۳۵۷: ۷۳).

هم بستگی شیعیان، که متأثر از قیام عاشورا بوده است، خود منشأ حرکات و برکات بسیاری در دوران مختلف بوده است که جنبش حزب‌الله لبنان نیز نمونه‌ای آشکار از این واقعیت در دوران معاصر است.

پس از پیمان طائف، حزب‌الله با ورود به نظام سیاسی لبنان و مقاومت علیه اسرائیل در جنوب تنها حزبی بود که توانست به‌صورت مشروع سلاح خود را حفظ کند. استراتژی شفاف حزب‌الله در خصوص هماهنگی با سایر گروه‌ها در مقابله با اشغال‌گری باعث مشروعیت و تقویت مقاومت در لبنان شد. حزب‌الله با شرکت در عرصه سیاسی و انتخابات پارلمانی ۱۹۹۲

و ۱۹۹۶ به موقعیت ممتازی دست یافت و به تدریج تا حد زیادی مسائل و مشکلات خود را با سایر گروه‌ها و طایفه‌های لبنانی حل کرد و در مسیر آشتی ملی و برقراری وحدت در میان نیروهای مختلف فکری و سیاسی لبنانی به موفقیت‌های درخور ملاحظه‌ای دست یافت و دستیابی به این موقعیت زمینه را برای پیروزی‌های بعدی علیه اسرائیل مهیا کرد (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۲۰۰ - ۲۰۲). در این دهه، اسرائیل عملیات‌های بزرگی هم‌چون عملیات «تسویه حساب» و عملیات «خوشه خشم» را در لبنان با هدف سرکوب مقاومت اسلامی و از بین بردن رابطه شیعیان و طایفه‌های گوناگون با حزب‌الله سازمان‌دهی کرد ولی در عمل این عملیات‌ها نه تنها رابطه گروه‌های لبنانی، به‌ویژه شیعیان، را با حزب‌الله از بین نبرد نوعی هم‌بستگی ملی را در مورد مشروعیت مقاومت میان تمام طایفه‌های مذهبی لبنان برقرار کرد.

به رغم مظلومیت اولیه حزب‌الله در جامعه لبنان، هم‌اکنون این حزب به برکت ایستادگی و مقاومت ملهم از قیام عاشورا، جنبشی مشروع تلقی می‌شود که در دو حوزه مقاومت و سیاست فعالیت دارد و از طریق بهره‌گیری از ایدئولوژی پویای خود بر آن است با زنده‌نگه داشتن روحیه مقاومت و با استفاده از کرسی مشروعیت آرای مردمی بر حق لبنان برای مقابله با اشغال تا آزادسازی تمامی سرزمین‌های اشغالی تأکید کند.

۴. نتیجه‌گیری

بررسی پیامدهای قیام عاشورا و بازخوانی آن در جنبش حزب‌الله لبنان بیان‌گر آن است که قیام حسینی، در جایگاه حماسه‌ای فرامکانی و فرازمانی، منشأ تحولانی بنیادین در تاریخ اسلام بوده و تأثیر شگرفی در بیداری و حرکت‌آفرینی گروه‌های حق‌طلب اسلامی، از جمله جنبش حزب‌الله لبنان، داشته است.

مهم‌ترین پیامدهای عاشورا، که به صورت تطبیقی - مقایسه‌ای در جنبش حزب‌الله لبنان تحلیل و بررسی شد، عبارت بودند از آگاهی بخشی به مسلمانان، پاسداری از ارزش‌های اسلامی بر مبنای اصل امر به معروف و نهی از منکر، معرفی گروه‌های باطل، عزت‌مندی، ولایت‌مداری، روحیه شهادت‌طلبی، ادای وظیفه جوانان و خانواده به‌منظور انجام دادن تکلیف الهی، الهام بخشی نهضت‌های رهایی‌بخش و حرکت‌های انقلابی تاریخ، و برقراری هم‌بستگی و انسجام اجتماعی.

درواقع، جنبش حزب‌الله، نقطه عطف تاریخ لبنان، الگوی مقاومت حسینی را به بهترین شکل به‌منصه ظهور نشاناد و با استفاده از درس‌ها و عبرت‌های قیام حسینی، از طریق

مخالفت و مقابله با اسرائیل و سایر دشمنان داخلی و خارجی، علاوه بر روشن‌گری مردم و کسب مشروعیت و ایجاد هم‌بستگی درخصوص مقاومت، الهام‌بخش بسیاری از گروه‌های مبارز غیر شیعی شده و سایر الگوها را نیز با تغییر مواجه کرده است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (بی‌تا). *تاریخ ابن خلدون*، ج ۳، بیروت: منشورات اعلی.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۸۴). *التهوف فی قتل الطفوف*، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
- اسداللهی، مسعود (۱۳۷۹). *از مقاومت تا پیروزی: تاریخچه حزب‌الله لبنان ۱۳۶۱-۱۳۷۹*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه‌سازان نور.
- اسداللهی، مسعود (۱۳۸۲). *جنبش حزب‌الله لبنان؛ گذشته و حال*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بی‌نا (بی‌تا). *العلاقات الخارجية لحزب الله*، بی‌جا.
- بی‌نا (۱۳۶۳). «مؤلفه‌های استمرار مقاومت»، *مجله پاسدار اسلام*، س ۳، ش ۲۸.
- توال، فرانسوا (۱۳۸۷/۵/۱۴). «ژئوپلتیک شیعه»، *خبرگزاری فارس*، www.farsnews.com
- حتی، فیلیپ (۱۹۹۴). *تاریخ العرب*، ج ۳، بیروت: دارغندوز.
- الحرالعالمی، محمد بن الحسن (۱۳۷۴). *وسایل الشیعه*، ج ۱۱، تهران: منشورات مکتبه الاسلامیه.
- حسن ابراهیم، حسن (۱۳۶۶). *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران: جاویدان.
- حشیشو، نهاد (۱۳۸۰). *احزاب سیاسی لبنان*، ترجمه سیدحسین موسوی، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- خربوطلی، علی (۱۳۵۷). *انقلاب‌های اسلامی*، ترجمه عبدالصاحب یادگاری، تهران: کانون انتشاراتی چهره اسلام.
- رایت، رابین (۱۳۷۲). *شیعیان مبارزان راه خدا*، ترجمه علی اندیشه، تهران: قومس.
- رجالی تهرانی، علیرضا (۱۳۷۵). *آثار و برکات سیدالشهدا در دنیا و آخرت*، تهران: نبوغ.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنانومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شراره، وضاح (۱۹۹۸). *دولة حزب الله لبنان مجتمعاً اسلامياً*، بیروت: دارالنهار.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان (۱۳۴۶). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۲، تهران: علمیه اسلامیة.
- فیض الاسلام اصفهانی، علی‌نقی (۱۳۹۲). *بررسی موضوعی نهج البلاغه*، بی‌جا: آمل.
- قاسم، نعیم (۱۳۸۳). *حزب‌الله لبنان: خط‌مشی، گذشته و آینده آن*، ترجمه محمد مهدی شریعتمداری، تهران: اطلاعات.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۹). *رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا*، تهران: اطلاعات.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری*، تهران: نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*، ج ۴۴، بیروت: مؤسسة الوفا.
- محتشمی‌پور، سیدعلی‌اکبر (۱۳۸۵). «ناگفته‌هایی از تأسیس حزب‌الله»، *ماهنامه شاهد ایران*، ش ۱۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ج ۱۷، تهران: صدرا.
- مقرم، سید عبدالرزاق (۱۳۶۸). *چهره خونین حسین سیدالشهداء علیه‌السلام، داستان کربلا*، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران: جهان.
- موسوی، حسین (۱۹۸۴). *السفیر*، ۵ می.
- میرزایی، نجفعلی (۱۳۷۹). *مبانی و اصول بنیادین طرح راهبردی لبنان*، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیّه خارج از کشور و مرکز اسناد سازمان.
- نصرالله، سیدحسین (۱۹۹۵). *ضمیمه روزنامه النهار*، ۱۴ اکتبر، لبنان.
- النهار* (۱۹۹۵). ۱۷ نوامبر، لبنان.
- نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹). *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: رایزن.
- هاشمی‌نژاد، سیدعبدالکریم (۱۳۵۱). *درسی که حسین به انسان‌ها آموخت*، تهران: فراهانی.

Rougier, Bernard (2007/01/04). "Changing Agendas The Sunni-Shia Rivalry", *LeMonde Diplomatique*, <http://mondediplo.com/lebanon>.

Zisser, Eyal (1997). "Hizballah in Lebanon: At the Crossroads", *Middel East Review of International Affaires, MERIA*, Vol. 1, No. 3.